

چرچیل‌ها در دوران انقلاب: خرد، وفاداری و مدیریت احساسات

ادامه سیاست فکری گروه چرچیل‌ها برای گفت‌وگو، اتاق فکر و کنش سیاسی مسئولانه

نویسنده: دکتر پیمان بخشایش، MD، PhD، MBA

متن پایه: ژوئن ۲۰۲۶ | نسخه گسترش‌یافته و مستند: ۷ اکتبر ۲۰۲۶

مقاله تحلیلی با مرور روایتی پژوهش‌های روان‌شناسی و تصمیم‌گیری جمعی

چکیده

پرسش اصلی این مقاله آن است که یک گروه سیاسی متعهد چگونه می‌تواند در شرایط بحران، هم حساسیت اخلاقی خود را حفظ کند و هم از تصمیم‌گیری شتاب‌زده، وفاداری غیرانتقادی و فرسایش گفت‌وگو دور بماند. استدلال من این است که وفاداری سیاسی هنگامی به ساختن آینده کمک می‌کند که با امکان نقد، ارزیابی شواهد، پاسخ‌گویی و احترام به حقوق شهروندی همراه باشد. گروه «چرچیل‌ها» در این چارچوب، فضایی برای آموزش قضاوت، همفکری و کنش مدنی مسئولانه است؛ نام گروه بیانگر آرمانی آموزشی است و برتری اعضای آن را بر دیگر شهروندان اثبات نمی‌کند.

مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد که فشار روانی می‌تواند برخی کارکردهای شناختی را تضعیف کند، اما آثار آن یکسان نیست؛ راهبردهای تنظیم هیجان نیز بسته به موقعیت و هدف، کارایی متفاوتی دارند. هویت جمعی، احساس بی‌عدالتی و باور به اثربخشی می‌توانند با مشارکت جمعی پیوند داشته باشند، در حالی که فشار برای هم‌رنگی، داوری جانبدارانه و گردش اخبار تأیید نشده، کیفیت تحلیل را تهدید می‌کنند. بر این اساس، مقاله چارچوبی برای گفت‌وگو، راستی‌آزمایی، ثبت تصمیم و یادگیری گروهی پیشنهاد می‌کند. این چارچوب از پژوهش‌ها الهام می‌گیرد، اما اثربخشی آن در گروه چرچیل‌ها هنوز اندازه‌گیری نشده است. حمایت من از

پادشاهی مشروطه و نقش شاهزاده رضا پهلوی در گذار، موضع سیاسی این نوشته است؛ پژوهش‌های مورد استناد، مشروعیت یا برتری هیچ رهبر مشخصی را اثبات نمی‌کنند.

۱. مقدمه و مسئله اصلی

دوران‌های انقلابی و بحران‌های سیاسی، انسان را با تراکم خبر، ابهام، تهدید و امید روبه‌رو می‌کنند. خبر بازداشت یا اعدام، تصویری از رنج یک خانواده، اختلاف میان مخالفان حکومت یا یک تحول بین‌المللی می‌تواند در فاصله‌ای کوتاه جهت‌گیری جمعی را تغییر دهد. در چنین فضایی، سرعت واکنش لزوماً با کیفیت قضاوت همراه نیست. آنچه به چشم ما نشانه روشنی از پیروزی، شکست یا خیانت می‌آید، ممکن است هنوز توضیح‌های دیگری داشته باشد.

هدف از آموزش فکری گروه چرچیل‌ها، پرورش توانایی زیستن و اندیشیدن در همین وضعیت است. حساسیت نسبت به سرنوشت ایران و رنج شهروندان باید حفظ شود؛ اما این حساسیت زمانی به مسئولیت سیاسی تبدیل می‌شود که بتوانیم از خود بپرسیم چه می‌دانیم، چه نمی‌دانیم و پیامد سخن یا تصمیم ما برای دیگران چیست. خونسردی مورد نظر من، توان نگاه‌داشتن این پرسش‌ها در لحظه فشار است، همراه با همدلی و آمادگی برای اقدام سنجیده.

چنین هدفی فقط با توصیه به آرام‌بودن تحقق نمی‌یابد. گروه به شیوه‌ای برای بحث، بررسی ادعا، پذیرش اشتباه و اصلاح تصمیم نیاز دارد. اگر اعضا نتوانند به برداشت غالب اعتراض کنند، یا اعتبار هر سخن با نزدیکی گوینده به یک شخصیت سیاسی سنجیده شود، عنوان اتاق فکر معنای عملی خود را از دست می‌دهد. نقطه آغاز این مقاله، تبدیل یک آرمان اخلاقی به مجموعه‌ای از عادت‌های قابل تمرین است.

۲. ماهیت مقاله و حدود استفاده از شواهد

این نوشته، تحلیل سیاسی همراه با مرور روایتی و هدفمند منابع است. پژوهش‌هایی انتخاب شده‌اند که مستقیماً به فشار روانی، تنظیم هیجان، کنش جمعی، قضاوت سیاسی، گفت‌وگوی تیمی و کیفیت اطلاعات مربوط‌اند. مشخصات منابع و پیوندهای ناشر، شناسه دیجیتال یا متن رسمی در پایان آمده است. این کار مرور

نظام‌مند جامع، فراتحلیل تازه یا پژوهش میدانی درباره اعضای گروه چرچیل‌ها نیست؛ داده‌ای از اعضا، میزان حمایت مردم ایران یا عملکرد رهبران سیاسی گردآوری نشده است.

سه نوع گزاره باید از یکدیگر متمایز بماند. یافته تجربی درباره نتایج یک پژوهش سخن می‌گوید؛ تفسیر، ارتباط احتمالی آن یافته با مسئله ما را توضیح می‌دهد؛ پیشنهاد هنجاری بیان می‌کند که چه رفتاری را مطلوب می‌دانیم. برای مثال، ارتباط امنیت روانی با یادگیری در تیم‌های کاری، به‌تنهایی ثابت نمی‌کند که هر گروه سیاسی دارای این ویژگی موفق خواهد شد. استفاده از آن برای طراحی گفت‌وگو در یک گروه ایرانی، استنباطی است که به ارزیابی مستقل نیاز دارد.

بخش مهمی از منابع در محیط‌های آزمایشگاهی، سازمانی یا شبکه‌های اجتماعی خارج از ایران تولید شده‌اند. تفاوت زبان، فرهنگ، ساختار قدرت، میزان سرکوب و دسترسی به اطلاعات، انتقال مستقیم نتایج را محدود می‌کند. بنابراین این مقاله از علم برای دقیق‌تر کردن پرسش‌ها و کاهش ادعاهای بی‌پشتوانه استفاده می‌کند؛ پیش‌بینی قطعی نتیجه یک انقلاب از دامنه آن بیرون است.

۳. فشار روانی و کیفیت قضاوت

حافظه کاری به نگره‌داشتن و پردازش اطلاعات کمک می‌کند و انعطاف‌پذیری شناختی امکان تغییر زاویه دید یا راه‌حل را فراهم می‌سازد. فراتحلیل شیلدز و همکاران، با بررسی ۵۱ مطالعه و ۲۴۸۶ شرکت‌کننده، نشان داد که فشار حاد به‌طور متوسط حافظه کاری و انعطاف‌پذیری شناختی را تضعیف می‌کند؛ با این حال، آثار آن بر انواع مهارت‌یکسان نبود. کنترل تداخل شناختی و جلوگیری از یک پاسخ رفتاری می‌تواند در شرایط فشار مسیرهای متفاوتی داشته باشند. از این رو، تعبیر کلی «استرس عقل را تعطیل می‌کند» دقت کافی ندارد. [۱]

پیامد محتاطانه این یافته برای گروه ما آن است که در لحظه فشار، اتکا به حافظه، برداشت اولیه یا اطمینان شخصی کافی نیست. پیشنهاد من استفاده از یادداشت کوتاه، تفکیک خبر از تفسیر و درخواست بازبینی از فرد دیگری است. این پیشنهادها، کاربردی احتمالی برای کاهش خطا هستند؛ مطالعه یادشده آنها را در گروه چرچیل‌ها آزمایش نکرده است.

فرض کنیم خبر مهمی منتشر شده است و اعضا هم‌زمان از آن نتیجه‌های متعارض می‌گیرند. پیش از بحث درباره پیامد سیاسی، باید روشن کنیم متن اصلی چیست، چه بخشی تأیید شده و کدام نتیجه فقط استنباط ماست. وقتی اطلاعات هنوز ناقص است، عبارت «در حال حاضر نمی‌دانیم» می‌تواند دقیق‌ترین صورت تحلیل باشد. پذیرفتن این وضعیت به معنای بی‌عملی نیست؛ ممکن است تصمیم مناسب، پیگیری اطلاعات یا پاسخ محدود و قابل اصلاح باشد.

تفاوت موقعیت اعضا نیز باید دیده شود. کسی که مستقیماً با خطر یا سوگ روبه‌روست، ممکن است به حمایت و فرصت بیشتری نیاز داشته باشد. انتظار آرامش یکسان از همه، بدون توجه به شرایط زندگی آنان، با مسئولیت جمعی سازگار نیست. گروه باید ظرفیت بازبینی تصمیم را به ساختار خود اضافه کند تا کیفیت کار فقط به توان فرد برای تحمل فشار وابسته نماند.

۴. تنظیم هیجان و نقش احساسات در کنش جمعی

تنظیم هیجان یعنی تغییر نحوه مواجهه با یک موقعیت، جهت توجه، برداشت از رویداد یا شیوه ابراز احساس. این مفهوم با انکار درد، بی‌تفاوتی اخلاقی یا خاموش کردن هر واکنش عاطفی تفاوت دارد. فراتحلیل وب و همکاران، شامل ۳۰۶ مقایسه آزمایشی، نشان داد که راهبردهای مختلف نتایج متفاوتی دارند و تغییر شناختی، به‌طور متوسط، از برخی دسته‌های دیگر مؤثرتر بوده است. حتی درون یک دسته نیز همه روش‌ها هم‌ارز نبودند؛ نوع هیجان، هدف و طراحی مطالعه بر نتیجه اثر می‌گذاشت. بنابراین هیچ نسخه واحدی برای همه افراد و همه موقعیت‌ها وجود ندارد. [۲]

بازارزیابی شناختی، در این بحث، جست‌وجوی برداشت دقیق‌تر از رویداد است. برای مثال، نقد یک تصمیم می‌تواند نشانه اختلاف در ارزیابی شواهد باشد، بدون آنکه وفاداری منتقد را زیر سؤال ببرد. شکست یک برنامه نیز ممکن است به ضعف اجرا، فرض نادرست یا تغییر شرایط مربوط باشد. در هر مورد، باید شواهد را بررسی کرد؛ جایگزین کردن یک تفسیر خوش‌بینانه بی‌پشتوانه با تفسیر بدبینانه بی‌پشتوانه، تنظیم هیجان مبتنی بر واقع‌بینی نیست.

احساسات همچنین می‌توانند زمینه مشارکت اجتماعی را فراهم کنند. مدل هویت اجتماعی کنش جمعی ون زومرن و همکاران، حاصل تلفیق سه فراتحلیل و ۱۸۲ اندازه اثر، ارتباط احساس بی‌عدالتی، هویت جمعی و باور

به اثربخشی جمعی را با کنش جمعی بررسی کرد. این نتیجه، تصور ساده‌ای را که هیجان را همواره مانع سیاست‌ورزی می‌داند، اصلاح می‌کند؛ اما نشان نمی‌دهد که هر خشم جمعی به نتیجه مطلوب یا دموکراتیک می‌رسد. [۳]

از نظر من، مسئله گروه چرچیل‌ها حذف خشم یا اندوه نیست؛ مسئله تبدیل آنها به پرسشی روشن و پاسخی مسئولانه است. به جای آنکه یک خبر دردناک فقط به انبوه پیام‌های تکراری بینجامد، می‌توان درباره حمایت از آسیب‌دیدگان، مستندسازی معتبر یا توضیح دقیق موضوع گفت‌وگو کرد. سخن پیشین من که احساسات باید سوخت حرکت باشند، یک استعاره تربیتی است: ارزش احساس باید در کنار ارزیابی روش و پیامد اقدام قرار گیرد.

۵. وفاداری خردمندانه و مبنای دموکراتیک آن

موضع سیاسی من روشن است: از عبور ایران به سکولاردموکراسی، پادشاهی مشروطه، تمامیت ارضی، حاکمیت قانون و انتخابات آزاد حمایت می‌کنم و شاهزاده رضا پهلوی را شخصیتی دارای ظرفیت مهم برای هماهنگی گذار می‌دانم. این ارزیابی، انتخاب و داوری سیاسی من است. برای اثبات میزان مقبولیت هر رهبر، توان واقعی ائتلاف‌سازی یا برتری او بر گزینه‌های دیگر، داده معتبر و بررسی مستقل لازم است؛ منابع روان‌شناسی این مقاله چنین مقایسه‌ای انجام نداده‌اند.

وفاداری خردمندانه برای من، پشتیبانی همراه با حق پرسش است. یک همراه سیاسی باید بتواند درباره کیفیت برنامه، نحوه ارتباط با جامعه، پاسخ‌گویی و پیامد تصمیم‌ها سخن بگوید. اگر هر نقدی به بی‌وفایی تعبیر شود، اطلاعات نامطلوب از مسیر تصمیم‌گیری حذف خواهد شد. تعهد به یک مسیر سیاسی، مسئولیت بررسی همان مسیر را افزایش می‌دهد؛ به‌ویژه هنگامی که تصمیم‌ها بر زندگی کسانی اثر می‌گذارند که در حلقه نزدیک ما حضور ندارند.

ترجیح پادشاهی مشروطه نیز باید در چهارچوب انتخاب آزاد مردم بیان شود. حقوق شهروندی جمهوری خواه، پادشاهی خواه، فرد مذهبی یا غیرمذهبی، از موافقت او با ما ناشی نمی‌شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزادی عقیده و بیان، آزادی اجتماع و مشارکت در حکومت بر پایه اراده مردم را به رسمیت

می‌شناسد. در این مقاله، این سند مرجع هنجاری برای برابری حقوق است؛ استفاده از آن به معنای اثبات علمی یک شکل خاص حکومت نیست. [۴]

نگاه آینده‌گرا به تاریخ پهلوی نیز به ارزیابی مستند نیاز دارد. حمایت از یک مسیر آینده، الزام به دفاع از همه رفتارهای گذشته ایجاد نمی‌کند. می‌توان درباره نوسازی، توسعه و دولت‌سازی بحث کرد و هم‌زمان نقدهای مربوط به آزادی سیاسی و حقوق شهروندی را بررسی کرد. نام «چرچیل‌ها» نیز چنین کارکرد نمادینی دارد: دعوت به اندیشیدن در بحران. این نام جای مطالعه انتقادی تاریخ را نمی‌گیرد و تأیید همه مواضع یا اقدامات تاریخی چرچیل نیست.

۶. داوری جانبدارانه و تمرین بررسی فرض مخالف

داشتن دانش و علاقه سیاسی، مصونیت از جانبداری ایجاد نمی‌کند. در دو مطالعه آزمایشی تاب‌و لاج درباره موضوعات سیاسی در ایالات متحده، شرکت‌کنندگان استدلال‌های همسو با نگرش پیشین خود را قوی‌تر ارزیابی می‌کردند و در برابر استدلال‌های مخالف، پردازش انتقادی بیشتری نشان می‌دادند. این نتیجه درباره همان موقعیت‌های پژوهشی است؛ نمی‌توان بر اساس آن فردی مشخص را تشخیص‌گذاری کرد یا همه اعضای یک جریان را غیرعقلانی دانست. [۵]

برای ما، خطر هنگامی آشکار می‌شود که یک شاهد مطلوب را سریع بپذیریم، اما برای شاهد نامطلوب معیارهای بسیار سخت‌تری بگذاریم. در این حالت، مسئله فقط کمبود اطلاعات نیست؛ قاعده ارزیابی اطلاعات تغییر کرده است. پرسش مفید آن است که اگر همین ادعا را رقیب ما مطرح می‌کرد، آیا آن را با همان میزان اطمینان می‌پذیرفتیم؟ یا اگر خبری به سود ما نبود، آیا باز هم منبع آن را معتبر می‌دانستیم؟

پژوهش لرد، لپر و پرستون نشان داد که درخواست برای بررسی احتمال مخالف، در دو آزمایش درباره قضاوت اجتماعی، از توصیه کلی به منصف‌بودن اثر اصلاحی بیشتری داشت. [۶] کاربرد پیشنهادی من آن است که پیش از پذیرش یک تحلیل، توضیح رقیب را به صورتی بنویسیم که طرفدار آن نیز آن را تحریف‌شده نداند. سپس مشخص کنیم چه شاهی دو توضیح را از یکدیگر جدا می‌کند.

این تمرین، دعوت به نسبی‌گرایی یا مساوی‌دانستن همه ادعاها نیست. بعضی ادعاها شواهد بیشتری دارند و برخی با داده‌ها ناسازگارند. هدف آن است که برتری یک استدلال از کیفیت شواهد و توضیح آن ناشی شود. تغییر نظر در برابر اطلاعات تازه، می‌تواند نشانه انجام مسئولیت تحلیلی باشد. گروهی که برای اعتراف به اشتباه هزینه حیثیتی سنگینی ایجاد می‌کند، احتمال اصلاح داوری را کاهش می‌دهد.

۷. گفت‌وگو و امنیت روانی در اتاق فکر

اتاق فکر به قواعدی نیاز دارد که پرسیدن، تردیدکردن و گزارش خطا را ممکن سازد. ادموندسون در مطالعه‌ای بر ۵۱ تیم کاری، امنیت روانی تیمی را با رفتار یادگیری مرتبط یافت. امنیت روانی در این معنا، باور مشترک به امکان پذیرفتن خطر بین‌فردی، مانند پرسیدن سؤال یا بیان اشتباه، بدون تحقیر است. این یافته از محیط سازمانی به دست آمده و کاربرد آن در یک گروه سیاسی، تعمیمی محتاطانه است. [۷]

امنیت روانی نباید با نبود معیار یا پذیرش همه رفتارها اشتباه شود. نقد روشن، مطالبه منبع و اصلاح خطا با آن سازگار است؛ تهدید، تحقیر و نسبت‌دادن خیانت بدون شاهد، فضای گفت‌وگو را تخریب می‌کند. پیشنهاد من آن است که مدیریت گروه درباره کیفیت استدلال و رفتار تصمیم بگیرد و برای اعتراض به تصمیم خود نیز مسیر روشنی فراهم کند. حفظ نظم بحث نباید به امتیاز دائمی چند نفر تبدیل شود.

در پژوهش وولی و همکاران، بر ۶۹۹ نفر در گروه‌های کوچک، عملکرد گروهی با عواملی مانند حساسیت اجتماعی و توزیع مشارکت در گفت‌وگو ارتباط داشت. این همبستگی‌ها نشان نمی‌دهند که تقسیم مساوی زمان سخن‌گفتن، به‌تنهایی علت عملکرد بهتر است یا یک فرمول قطعی برای گروه سیاسی وجود دارد. با این حال، مطالعه توجه ما را به کیفیت تعامل، فراتر از عنوان و سابقه اعضا، جلب می‌کند. [۸]

پژوهش آزمایشی لورنتس و همکاران بر ۱۴۴ نفر نیز نشان داد که در برخی مسائل تخمین عددی، اطلاع از نظر دیگران می‌تواند تنوع پاسخ‌ها را کاهش دهد، بدون آنکه دقت جمعی به همان نسبت بهتر شود. [۹] از این یافته نمی‌توان نتیجه گرفت که همه تبادله نظرها زیان‌آورند. پیشنهاد عملی من، ثبت برداشت اولیه پیش از شنیدن نظر افراد پرنفوذ است؛ سپس گفت‌وگو باید برای بررسی دلیل تفاوت برداشت‌ها به کار رود. توافقی که پس از بررسی حاصل می‌شود با هم‌رنگی ناشی از فشار اجتماعی یکسان نیست.

۸. اطلاعات دیجیتال و مسئولیت بازنشر

شبکه‌های اجتماعی، تصویر کاملی از افکار عمومی یا توازن قدرت ارائه نمی‌کنند. شمار پیام‌ها و بازنشرها می‌تواند برای شناخت یک فضای رسانه‌ای مفید باشد، اما برای استنتاج میزان حمایت در کل جامعه، به نمونه‌گیری و روش معتبر نیاز داریم. یک گروه نباید محیط پیرامون خود را با تمام جامعه یکسان بگیرد. درباره اندازه واقعی پایگاه اجتماعی هر جریان، باید میان مشاهده محدود، گزارش معتبر و داده نماینده جامعه تمایز گذاشت.

بریدی و همکاران، در مطالعه‌ای بر بیش از نیم‌میلیون پیام درباره سه موضوع سیاسی در شبکه اجتماعی توییتر، میان زبان اخلاقی هیجان‌برانگیز و انتشار بیشتر پیام‌ها، به‌ویژه درون مرزهای ایدئولوژیک، ارتباط مشاهده کردند. [۱۰] این مطالعه مشاهده‌ای، دلیل عمومی برای دروغ‌بودن پیام‌های احساسی یا اثبات اثر علی هر واژه نیست. استنباط مناسب برای ما آن است که جذابیت عاطفی و فراوانی بازنشر، جای بررسی صحت را نمی‌گیرد.

پژوهش پنی‌کوک و همکاران، با آزمایش‌های پیمایشی و یک آزمایش میدانی، نشان داد که جلب توجه به دقت اطلاعات می‌تواند کیفیت خبرهای به‌اشتراک‌گذاشته‌شده را بهبود دهد. این یافته همچنین نشان می‌دهد که بازنشر یک مطلب همیشه به معنای باور کامل به آن نیست؛ گاهی توجه فرد هنگام اشتراک‌گذاری به موضوع دیگری معطوف است. [۱۱] این روش، تضمین حذف اطلاعات نادرست نیست و اثربخشی آن در زبان فارسی یا گروه ما باید جداگانه بررسی شود.

قاعده پیشنهادی برای چرچیل‌ها آن است که پیش از بازنشر، منبع اولیه، تاریخ، زمینه و استقلال منابع تأییدکننده بررسی شود. چند حساب که یک خبر را از یکدیگر نقل کرده‌اند، چند تأیید مستقل ایجاد نمی‌کنند. برچسب «تأییدنشده» باید در متن پیام باقی بماند، نه اینکه در جریان بازنشر حذف شود. اگر خبری اصلاح شد، اصلاح آن نیز باید در همان مسیر انتشار داده شود. درباره تصویر قربانیان، اطلاعات خصوصی و مطالبی که ممکن است اشخاص را در معرض خطر قرار دهد، مسئولیت ما از صحت خبر فراتر می‌رود و شامل ضرورت و پیامد انتشار است.

۹. واقع‌بینی سیاسی و تصمیم‌گیری در عدم قطعیت

واقع‌بینی سیاسی مستلزم دیدن محدودیت‌های خود، تنوع مخالفان حکومت و دشواری ساختن توافق است. جمهوری خواهان، پادشاهی خواهان و جریان‌های دیگر، مجموعه‌هایی یکدست نیستند. شناخت مواضع و رفتارهای مشخص آنان به تحلیل کمک می‌کند؛ تبدیل یک نام گروهی به توضیح همه رفتارهای اعضا، موضوع را ساده‌سازی می‌کند. پیش‌بینی رفتار حکومت، جامعه یا یک ائتلاف نیز بدون اطلاعات کافی، نباید به صورت یقین بیان شود.

در پژوهش ملرز و همکاران درباره یک رقابت پیش‌بینی ژئوپولیتیک، آموزش قضاوت احتمالاتی، همکاری تیمی و پیگیری عملکرد به بهبود دقت پیش‌بینی کمک کردند. این نتیجه در چارچوب همان رقابت به دست آمده و قابلیت پیش‌بینی قطعی تحولات ایران را اثبات نمی‌کند. [۱۲] برداشت کاربردی من آن است که کیفیت تحلیل را باید در طول زمان سنجید، نه فقط بر اساس قدرت بیان یا میزان اطمینان گوینده.

برای یک پرسش مهم می‌توان چند سناریو را به صورت مشروط مطرح کرد، فرض‌های هر کدام را نوشت و مشخص کرد چه اطلاعاتی نیازمند بازبینی نتیجه است. مثلاً درباره امکان توافق میان دو جریان، باید تفاوت میان اعلام تمایل، مذاکره، توافق بر متن و اجرای تعهد را روشن کرد. اگر احتمال عددی بیان می‌کنیم، باید مبنای آن مشخص باشد؛ نبود داده، مجوز ساختن درصدهای ظاهراً علمی نیست.

تصمیم جمعی نیز می‌تواند با ذکر دلیل، مخالفت‌های باقی‌مانده و زمان بازبینی ثبت شود. این ثبت، قرار نیست پرونده‌ای علیه اعضا بسازد؛ هدف آن یادگیری است. تصمیمی که در زمان خود با اطلاعات محدود معقول بوده، ممکن است نتیجه نامطلوبی پیدا کند. برعکس، یک تصمیم ضعیف ممکن است تصادفاً نتیجه خوبی بدهد. ارزیابی مسئولانه باید هم کیفیت فرایند و هم پیامد واقعی را ببیند.

۱۰. شایسته‌سالاری و ساختن نهادهای پاسخگو

یکی از نگرانی‌های اصلی من آن است که وفاداری سیاسی پیش از هرگونه تغییر، به انتظار مقام و سهم تبدیل شود. گروه چرچیل‌ها باید میان حمایت از یک مسیر و ادعای استحقاق برای منصب عمومی فاصله

روشنی بگذارد. مشارکت داوطلبانه، برای کسی حق مالکیت بر قدرت آینده ایجاد نمی‌کند. مسئولیت عمومی باید با توانایی مرتبط، معیار روشن، برابری فرصت و امکان ارزیابی همراه باشد.

شایسته‌سالاری نیز فقط به مدرک دانشگاهی یا شهرت فرد محدود نمی‌شود. توان فهم مسئله، تجربه مرتبط، صداقت در گزارش محدودیت‌ها، همکاری و پاسخ‌گویی اهمیت دارد. متخصص باید حدود تخصص خود را بشناسد و شهروند غیرمتخصص نیز حق پرسیدن داشته باشد. استفاده از دانش، هنگامی با دموکراسی سازگار است که تصمیم قابل توضیح و قابل نظارت بماند و تخصص به ادعای مصونیت از نقد تبدیل نشود.

در سطح گروه، می‌توان وظایف محدود و مشخص تعریف کرد، برای هر وظیفه مسئول و زمان بازبینی گذاشت و تعارض منافع را آشکار ساخت. مسئولیت‌ها نباید صرفاً با شدت ستایش یا نزدیکی شخصی توزیع شوند. اینها پیشنهاد‌های نهادی من‌اند و در این مقاله، اثر آنها بر عملکرد چرچیل‌ها اندازه‌گیری نشده است. آزمون واقعی آنها در کیفیت خروجی، رعایت حقوق اعضا و امکان اصلاح تصمیم‌ها خواهد بود.

الگوگرفتن از تجربه کشورهای دیگر نیز باید مسئله‌محور باشد. می‌توان درباره آموزش، نوآوری، خدمات عمومی یا ساختار اداری آنها مطالعه کرد، اما نام‌بردن از یک کشور موفق، علت موفقیت آن را توضیح نمی‌دهد. ایران به ارزیابی شرایط تاریخی، اقتصادی و اجتماعی خود نیاز دارد. هدف من، جامعه‌ای است که در آن زندگی شرافتمندانه برای شهروندان فراهم شود و سیاست وظیفه حل مسئله و خدمت عمومی را بر عهده بگیرد.

۱.۱. ائتلاف و گفت‌وگو با دیدگاه‌های متفاوت

گروهی با هویت سیاسی روشن می‌تواند درون خود معیار عضویت داشته باشد و در عین حال حقوق مخالفان آن هویت را به رسمیت بشناسد. حمایت از پادشاهی مشروطه، امکان همکاری درباره آزادی زندانیان، حقوق برابر یا انتخابات آزاد را از میان نمی‌برد. لازم نیست برای هر همکاری، همه اختلاف‌های تاریخی یا نظری حل شده باشد؛ باید روشن شود توافق دقیقاً درباره چیست و چه چیزهایی همچنان محل اختلاف‌اند.

فرا تحلیل پتیگرو و تروپ، شامل ۵۱۵ مطالعه، به‌طور کلی ارتباط تماس میان گروهی با کاهش پیش‌داوری را نشان داد. شرایط تماس و طراحی مطالعات اهمیت داشتند؛ این نتیجه مجوز تعمیم به هر نوع مذاکره یا تضمین

اعتماد در یک ائتلاف سیاسی نیست. [۱۳] پیشنهاد من آن است که گفت‌وگو بر مسائل مشخص، احترام متقابل و امکان ارزیابی تعهدها بنا شود و اختلاف‌ها پنهان نمانند.

می‌توان دیدگاه یک رقیب را دقیق فهمید و همچنان آن را نقد کرد. گفت‌وگوی مسئولانه، بررسی برنامه، رفتار و شواهد است؛ نسبت دادن انگیزه پنهان به همه مخالفان، امکان شناخت آنان را محدود می‌کند. حتی وقتی همکاری ممکن نیست، زبان ما باید با اصولی سازگار بماند که برای نظم آینده مطالبه می‌کنیم. حق رأی و کرامت شهروندی نباید پاداش همراهی با جناح ما باشد.

در این برداشت، انسجام ملی به معنای حذف تفاوت‌ها نیست. انسجام زمانی معنا دارد که افراد بتوانند در قواعد مشترک زندگی کنند، برای تغییر سیاست رقابت کنند و نتیجه انتخاب آزاد را بپذیرند. این هدف هنجاری، برای گروه چرچیل‌ها معیاری فراهم می‌کند تا رفتار امروز خود را با آینده‌ای که از آن سخن می‌گویند، مقایسه کند.

۱۲. هزینه گذار و مسئولیت در برابر آسیب انسانی

واقع‌بینی مستلزم به رسمیت شناختن خطر سرکوب و آسیب انسانی است. هیئت حقیقت‌یاب مستقل سازمان ملل درباره ایران، در گزارش به روزرسانی سپتامبر ۲۰۲۴، درباره ادامه نقض حقوق زنان و دختران، سرکوب مرتبط با اعتراضات و نبود پاسخ‌گویی مؤثر گزارش داد. [۱۴] ارجاع به این سند، ناظر به دوره و موضوع همان گزارش است و جای ارزیابی وضعیت هر روز را نمی‌گیرد. وجود چنین شواهدی، ضرورت توجه به خطر برای شهروندان را روشن می‌کند؛ نتیجه سیاسی آینده را پیش‌بینی نمی‌کند.

پذیرش دشواری تغییر، به معنای عادی کردن مرگ یا ستایش هزینه انسانی نیست. از نظر من، هر پیشنهاد سیاسی باید از منظر حفاظت از جان، کرامت و امکان ادامه زندگی شهروندان بررسی شود. کسانی که از فاصله جغرافیایی سخن می‌گویند، نباید خطر را بدون توجه به شرایط زندگی دیگران به آنان واگذار کنند. شجاعت مدنی با آگاهی از پیامد و اختیار اشخاص پیوند دارد.

پژوهش تطبیقی استفن و چنووت، در نمونه تاریخی خود، نسبت بالاتری از موفقیت را برای کارزارهای عمدتاً بدون خشونت در مقایسه با کارزارهای مسلحانه گزارش کرد. [۱۵] با این حال، داده‌های مشاهده‌ای

کارزارهای گذشته، آزمایش تصادفی نیستند و تفاوت شرایط، انتخاب روش و تعریف موفقیت، تفسیر نتایج را محدود می‌کند. از این پژوهش نمی‌توان احتمال موفقیت یک برنامه مشخص در ایران یا تضمین ایمنی مشارکت‌کنندگان را استخراج کرد. استفاده مسئولانه از آن، پرهیز از فرض اجتناب‌ناپذیر بودن خشونت و بررسی جدی کاهش آسیب است.

بحث درباره گذار باید خدمات عمومی، مراقبت از افراد آسیب‌پذیر، حقوق مخالفان و پاسخ‌گویی قضایی را نیز شامل شود. انتقام جمعی و مسئول دانستن اشخاص صرفاً به سبب تعلق گروهی، با حاکمیت قانون سازگار نیست. مسئولیت رفتار مشخص باید با شواهد و رسیدگی منصفانه بررسی شود. گروه چرچیل‌ها می‌تواند این اصول را در زبان و روش بحث خود تمرین کند، حتی اگر هنوز درباره بسیاری از مسائل سیاسی اختلاف داشته باشد.

۱۳. چارچوب پیشنهادی برای رفتار گروه

اصول زیر پیشنهاد من برای تنظیم کار چرچیل‌هاست. آنها یک مداخله علمی آزموده‌شده نیستند؛ پذیرششان باید با گفت‌وگوی اعضا، توضیح معیارها و امکان بازبینی همراه باشد. هدف، فراهم کردن شرایطی است که تعهد سیاسی، کیفیت تحلیل و احترام به اشخاص در عمل کنار یکدیگر بمانند.

۱. هدف هر بحث روشن باشد. برگزارکننده مشخص کند موضوع برای بررسی اطلاعات، نقد یک تحلیل، تصمیم جمعی یا حمایت انسانی مطرح شده است. هیچ‌کس نباید به شرکت در همه بحث‌ها یا مواجهه مداوم با تصاویر دردناک مجبور شود.

۲. خبر، تفسیر و پیشنهاد از هم تفکیک شوند. ادعای قابل بررسی، منبع داشته باشد و میزان اطمینان آن توضیح داده شود. پرسش بی‌پاسخ باید به‌عنوان پرسش باقی بماند و در بازنشر به خبر قطعی تبدیل نشود.

۳. وفاداری با امکان نقد همراه باشد. هیچ شخصیت یا مدیری از درخواست توضیح درباره تصمیم عمومی معاف نباشد. نقد باید به ادعا، برنامه یا رفتار مشخص بپردازد و برای اتهام به شخص، شاهد متناسب ارائه شود.

۴. برای شنیدن نظر متفاوت فرصت ایجاد شود. اعضای کم‌حرف، تازه‌وارد یا صاحب تجربه متفاوت، امکان مشارکت داشته باشند. مخالفت مستدل به‌عنوان اطلاعات مفید ثبت شود و فشار برای نمایش توافق جای آن را نگیرد.

۵. در شرایط هیجان، ابتدا وضعیت روشن شود. برای تصمیم‌های غیرفوری، بازبینی به زمان مناسب‌تر واگذار شود. تصمیم فوری نیز در حد ضرورت و با توضیح محدودیت اطلاعات اتخاذ شود؛ انتظار آرامش کامل نباید کمک ضروری را به تأخیر بیندازد.

۶. احترام و حریم خصوصی رعایت شود. تهدید، تحقیر، آزار و انتشار اطلاعات شخصی بدون رضایت، قابل پذیرش نباشد. اختلاف رفتاری از اختلاف نظری تفکیک و رسیدگی به آن با معیار روشن و حق پاسخ انجام شود.

۷. وظایف بر اساس توانایی و پاسخ‌گویی تقسیم شوند. مسئولیت گروهی، وعده مقام آینده ایجاد نکند. تعارض منافع اعلام شود و فرد مسئول درباره نتیجه کار و محدودیت‌های آن توضیح بدهد.

۸. تصمیم و اصلاح آن قابل پیگیری باشد. دلیل، مسئول، زمان بازبینی و مخالفت مهم ثبت شوند. اشتباه خبری یا تحلیلی به‌صورت روشن اصلاح شود و پذیرش خطا به فرصتی برای یادگیری تبدیل گردد.

۹. حقوق شهروندی معیار مشترک بماند. حمایت از یک جریان یا رهبر با حق انتخاب آزاد مردم، برابری حقوق و حفاظت از آسیب‌دیدگان همراه باشد. توصیه سیاسی باید پیامدش را برای کسانی که بیرون از گروه‌اند نیز در نظر بگیرد.

۱۴. آموزش و ارزیابی کیفیت کار

برای تبدیل اصول به عادت، پیشنهاد می‌کنم گروه از تمرین‌های کوتاه و تکرارشونده استفاده کند. یک خبر با متن اولیه‌اش مقایسه شود؛ دو توضیح رقیب برای یک رویداد نوشته شود؛ یا یک تصمیم پیشین از نظر اطلاعات موجود در زمان اتخاذ آن بررسی گردد. موضوع تمرین باید روشن و محدود باشد تا بحث به داوری کلی درباره ارزش اشخاص تبدیل نشود. خروجی مفید می‌تواند یک توضیح دقیق‌تر، یک پرسش تازه یا اصلاح یک ادعا باشد.

ارزیابی گروه نیز بهتر است به رفتارهای قابل مشاهده مربوط باشد: آیا ادعاها منبع دارند؟ آیا اصلاح خبر در همان مسیر انتشار یافته است؟ آیا مخالفت مهم ثبت شده؟ آیا تصمیم در زمان تعیین شده بازبینی شده است؟ شمار پیام‌ها، شدت شعار یا نزدیکی به شخصیت سیاسی، جانشین این معیارها نیست. این شاخص‌ها پیشنهاد‌های محلی برای بهبود کارند؛ ابزار استاندارد روان‌شناسی یا مقیاس اثبات شده موفقیت سیاسی محسوب نمی‌شوند.

ظرفیت شناختی اعضا نیز نامحدود نیست. فراتحلیل لیم و دینگز درباره محرومیت کامل کوتاه مدت از خواب، کاهش عملکرد را در چند حوزه شناختی، به ویژه توجه، گزارش کرد. این یافته را نباید بدون بررسی به هر نوع کم‌خوابی یا به یک فرد مشخص تعمیم داد. [۱۶] استنباط عملی من آن است که پیگیری بی‌وقفه خبر و تصمیم‌گیری در خستگی شدید، نباید نشانه تعهد بیشتر تلقی شود؛ گروه می‌تواند زمان استراحت و امکان فاصله گرفتن را محترم بداند.

گروه سیاسی جای تشخیص‌گذاری بالینی درباره اعضا نیست. اگر کسی از رنج شدید یا اختلال پایدار در زندگی خود سخن می‌گوید، باید با احترام برخورد شود و امکان دریافت حمایت مناسب برای او محفوظ بماند. مسئولیت جمعی در اینجا، تحمیل نقش قهرمانانه به فرد نیست؛ فراهم کردن فضایی است که بتواند محدودیت خود را بیان کند و بدون تحقیر از یک مسئولیت موقتاً فاصله بگیرد.

۱۵. نتیجه‌گیری

سیاست فکری چرچیل‌ها برای من، تعهد به ایران از راه به‌تراندیشیدن و مسئولانه‌تر عمل کردن است. این تعهد به حساسیت اخلاقی نیاز دارد، اما با آن پایان نمی‌یابد. باید بتوانیم کیفیت خبر، دلیل تصمیم، حقوق اشخاص و پیامد رفتار خود را بررسی کنیم. پژوهش‌های مورد بحث، برای شناخت برخی خطرهای قضاوت و تعامل جمعی مفیدند؛ آنها سرنوشت ایران یا شایستگی هیچ رهبر مشخصی را تعیین نمی‌کنند.

من از شاهزاده رضا پهلوی و مسیر پادشاهی مشروطه در چهارچوب سکولاردموکراسی و انتخاب آزاد مردم حمایت می‌کنم. ارزش این حمایت، در نگاه من، با پذیرش نقد، پاسخ‌گویی و رعایت حقوق مخالفان کامل می‌شود. آینده‌ای که مطالبه می‌کنیم باید از امروز در روش گفت‌وگوی ما قابل مشاهده باشد. اگر وفاداری به

حذف پرسش بینجامد، یا شایستگی با نمایش نزدیکی به قدرت سنجیده شود، فاصله میان آرمان و رفتار افزایش می‌یابد.

چرچیل‌ها می‌تواند جمعی برای تمرین این مسئولیت باشد: گروهی که رنج را می‌بیند، درباره واقعیت با احتیاط دآوری می‌کند، اشتباه را اصلاح می‌کند و انسان‌ها را به ابزار برنامه سیاسی تبدیل نمی‌کند. اعتبار چنین گروهی از نام آن به دست نمی‌آید؛ باید در کیفیت تحلیل، رعایت کرامت و توان یادگیری آن آشکار شود. این مسیر، وفاداری را به مسئولیت پیوند می‌دهد و از امید سیاسی، کاری قابل ارزیابی برای آینده ایران می‌سازد.

۱۶. منابع

[۱] Shields GS, Sazma MA, Yonelinas AP. The effects of acute stress on core executive functions: A meta-analysis and comparison with cortisol. *Neurosci Biobehav Rev.* 2016;68:651-668. [10.1016/j.neubiorev.2016.06.038](https://doi.org/10.1016/j.neubiorev.2016.06.038)

[۲] Webb TL, Miles E, Sheeran P. Dealing with feeling: A meta-analysis of the effectiveness of strategies derived from the process model of emotion regulation. *Psychol Bull.* 2012;138(4):775-808. [10.1037/a0027600](https://doi.org/10.1037/a0027600)

[۳] van Zomeren M, Postmes T, Spears R. Toward an integrative social identity model of collective action: A quantitative research synthesis of three socio-psychological perspectives. *Psychol Bull.* 2008;134(4):504-535. [10.1037/0033-2909.134.4.504](https://doi.org/10.1037/0033-2909.134.4.504)

[۴] United Nations General Assembly. Universal Declaration of Human Rights. Resolution 217 A (III). 10 December 1948. Articles 18-21. [United Nations official text](#)

[۵] Taber CS, Lodge M. Motivated skepticism in the evaluation of political beliefs. *Am J Polit Sci.* 2006;50(3):755-769. [10.1111/j.1540-5907.2006.00214.x](https://doi.org/10.1111/j.1540-5907.2006.00214.x)

[٤] Lord CG, Lepper MR, Preston E. Considering the opposite: A corrective strategy for social judgment. *J Pers Soc Psychol.* 1984;47(6):1231-1243. [10.1037/0022-3514.47.6.1231](#)

[٧] Edmondson AC. Psychological safety and learning behavior in work teams. *Adm Sci Q.* 1999;44(2):350-383. [10.2307/2666999](#)

[٨] Woolley AW, Chabris CF, Pentland A, Hashmi N, Malone TW. Evidence for a collective intelligence factor in the performance of human groups. *Science.* 2010;330(6004):686-688. [10.1126/science.1193147](#)

[٩] Lorenz J, Rauhut H, Schweitzer F, Helbing D. How social influence can undermine the wisdom of crowd effect. *Proc Natl Acad Sci U S A.* 2011;108(22):9020-9025. [10.1073/pnas.1008636108](#)

[١٠] Brady WJ, Wills JA, Jost JT, Tucker JA, Van Bavel JJ. Emotion shapes the diffusion of moralized content in social networks. *Proc Natl Acad Sci U S A.* 2017;114(28):7313-7318. [10.1073/pnas.1618923114](#)

[١١] Pennycook G, Epstein Z, Mosleh M, Arechar AA, Eckles D, Rand DG. Shifting attention to accuracy can reduce misinformation online. *Nature.* 2021;592:590-595. [10.1038/s41586-021-03344-2](#)

[١٢] Mellers B, Ungar L, Baron J, Ramos J, Gurcay B, Fincher K, et al. Psychological strategies for winning a geopolitical forecasting tournament. *Psychol Sci.* 2014;25(5):1106-1115. [10.1177/0956797614524255](#)

[١٣] Pettigrew TF, Tropp LR. A meta-analytic test of intergroup contact theory. *J Pers Soc Psychol.* 2006;90(5):751-783. [10.1037/0022-3514.90.5.751](#)

[١٤] Independent International Fact-Finding Mission on the Islamic Republic of Iran. Update on the situation of women and girls in the context of the September 2022 protests and the Woman, Life, Freedom movement in the Islamic Republic of Iran. 13 September 2024. [OHCHR official report](#)

[١٥] Stephan MJ, Chenoweth E. Why civil resistance works: The strategic logic of nonviolent conflict. *Int Secur.* 2008;33(1):7-44. [10.1162/isec.2008.33.1.7](#)

[١٦] Lim J, Dinges DF. A meta-analysis of the impact of short-term sleep deprivation on cognitive variables. *Psychol Bull.* 2010;136(3):375-389. [10.1037/a0018883](#)